

لاکوئیب لونسین

فیلمنامه‌ای از لویی مال و پاتریک مودیانو
 به همراه گفت‌وگویی با میشل فوکو
 ترجمه‌ی افشین جهان‌دیده



فهرست

- فیلمنامه‌ی لاکومب روسین / ۶
ضدگذشته‌نگری، گفت‌وگو با میشل فوکو / ۱۳۵
فیلم‌شناسی لویی مال / ۱۵۹

فیلم نامه‌ی لاکومب لوسین^۱

نویسندگان: لویی مال و پاتریک مودیانو

کارگردان: لویی مال

گروه فیلم‌برداری: پاتریس ویرس، فرانسوا کاتونه، دانیل برو

تدوین: سوژن بازو

بازیگران و نقش‌ها:

پی‌یر پلژ: لوسین

أرور کلمان: فرانس

هولگر لونادلر: آلبر

محصول ۱۹۷۴ فرانسه، رنگی

ژوئن ۱۹۴۴، ولایت کوچکی در جنوب غربی فرانسه

۱

خدمتکار هفده ساله‌ای با مقدار زیادی آب در حال شستن کف خوابگاه زنان در خانه‌ی سالمندان است.

به جز ده تخت خوابگاه، بقیه خالی‌اند. چند نفر ملاقات‌کننده و دو یا سه خواهر روحانی نیز در خوابگاه حضور دارند. نجوایی به گوش می‌رسد. بعدازظهر است و هوا بسیار خوب و دلپذیر. سایبان جلوی پنجره‌ها پایین کشیده شده است.

خدمتکار جوان که لوسین نام دارد با حرص و سماجت بسیار مشغول کار است. همان‌طور که به تدریج پیش می‌رود، کمد‌های کنار تخت‌ها را باز

1. Lacombe Lucien

پایین پنجره چند مرد مسن با گام‌های آهسته در حال گردش در باغ‌اند یا روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و آفتاب می‌گیرند.

لوسین سرش را بلند می‌کند. روی شاخه‌ای در چند متری او سینه‌سرخ‌ی مشغول جنبیدن و آوازخواندن است. لوسین از جیش یک قلاب‌سنگ درمی‌آورد، به دقت نشانه می‌گیرد و سنگ را رها می‌کند. پرنده توی حیاط می‌افتد.

لوسین کارش را از سر می‌گیرد. در حیاط و خوابگاه کسی متوجه حرکت‌های او نیست. خدمتکار دیگری که کلمان نام دارد به او نزدیک می‌شود و درگوشی با او صحبت می‌کند و در حالی که لوسین را هل می‌دهد، بقی می‌زند زیر خنده و همین نگاه‌های خشمگین سالمندان و خواهران روحانی را که به نطق فیلیپ آتریو گوش می‌دهند به آن سو می‌کشاند.

۲

لوسین با کلاه پره و لباس روستایی، سوار بر دوچرخه از جاده‌ی باریک دهکده می‌گذرد. جامه‌دانی بر ترک دوچرخه قرار دارد. هوا بسیار خوب است و خورشید هنوز بالا نیامده. لوسین شادمان و مسرور به نظر می‌رسد. یکشنبه است.

لوسین در نزدیکی دهکده‌ی سولیاک که نام آن روی تخته‌ای نقش بسته، از کنار گله‌ای گوسفند

می‌کند، ظرف‌های ادرار را بیرون می‌آورد و در سطل بزرگی خالی می‌کند. در انتهای سالن خدمتکار دیگری که از لوسین مسن‌تر است با حرارت و سماجت کم‌تری همین کار را انجام می‌دهد و چندین بار صدای خنده‌ی زنگ‌دارش به گوش می‌رسد.

لوسین به تخت زن سالمندی نزدیک می‌شود که با مرد مسنی که در کنارش نشسته نجواکنان سرگرم گفت‌وگو است. زن و مرد گفت‌وگوی‌شان را با حالتی کاملاً آشکار و متظاهرانه قطع می‌کنند و به لوسین چشم می‌دوزند، سپس نگاهی ردوبدل می‌کنند. خدمتکار جوان که به نظر نمی‌رسد متوجه رفتار آن دو شده باشد، در حالی که عکس‌قاب‌شده‌ی مارشال پتن را که روی آن تسبیحی قرار گرفته از روی کمد کنار تخت بلند می‌کند، به گردگیری کمد می‌پردازد.

یکی از خواهران روحانی در حال عبور رادیوی بزرگی را روشن می‌کند که به دیوار نصب شده است. برنامه‌ی رادیو مثل هر روز سخنرانی فیلیپ آتریو^۱ است. لوسین گونی زمین‌شویی را از روی زمین برمی‌دارد و آن را می‌چلانند. در کنار او پنجره‌ای باز است. لوسین از پنجره به بیرون خم می‌شود.

۱. Phippe Henriot (۱۸۸۹-۱۹۴۱)، شاعر و سیاست‌مدار فرانسوی و یکی از وزرای حکومت ویشی. م.